

شرط امانت سرپرست کودک در فقه امامیه

فاطمه شریفی^۱

کبری پورعبداللله^۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

چکیده

در این پژوهش با تتبع و استناد به منابع متعدد فقهی ثابت شده است وجود یا عدم اشتراط امانت به تنهایی نمی‌تواند ضابطه صلاحیت سرپرست کودک قرار بگیرد؛ بلکه در صورتی که عدم امانت سرپرست کودک به ضرر کودک و دفع مصلحت وی منجر گردد، باعث سلب صلاحیت از سرپرست کودک می‌شود بویژه اگر سرپرستان کودک، پدر و مادر واقعی وی باشند؛ زیرا حضور کودک نزد والدین خود تا وقتی که به فسق متجاهر نباشند، شرط اساسی سلامت و تربیت صحیح کودک است؛ زیرا والدین به دلیل شفقت ذاتی که نسبت به کودک خویش دارند بیش از هر شخص دیگری به کار مربوط به تربیت کودک اهتمام خواهند ورزید.

کلید واژه‌ها: سرپرست کودک؛ شرایط سرپرست کودک؛ حضانت و امانت در سرپرستی، فقه امامیه و حقوق کودک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

fsharifi9@gmail.com

poorabdollah_k@yahoo.com

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

۲ - استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی، و از نظر تکوین شخصیت فرزندان، دارای نقش مهمی است. شکل نایافتگی شخصیت کودک و ناتوانی وی در حمایت از خویش، ایجاب می‌کند برنامه‌ریزی دقیقی برای گذران این دوران از جنبه‌های مختلف صورت گیرد. ریشه بسیاری از انحرافات شخصیت را باید در پرورش نخستین خانوادگی جستجو کرد؛ چرا که اگر منشأ بسیاری از کجرفتاریها و انواع گوناگون بیماریهای روانی بررسی شود، نقش پرورش خانواده در کیفیت رشد شخصیت آشکار می‌گردد.

بدون تردید در مباحث مربوط به کودک، حضانت از مهمترین نهادهای مؤثر در تربیت و رشد جسمی و روحی کودکان و در نتیجه سلامت جسمی و روحی افراد جامعه است. بنابراین طبیعی است که قانونگذار، نگهداری و تربیت کودکان را برعهده هر شخصی نگذارد؛ هر چند شخص یادشده یکی از والدین کودک باشد. بی‌شک پدر و مادر ناسالم یا فاسدالاخلاق و... به نگهداری فرزند خود علاقه بسیاری دارند؛ اما مصلحت کودک و مصالح تربیتی وی اقتضا می‌کند چنین افرادی که اصولاً توانایی به دوش کشیدن چنان باری را ندارند، از دایره این اختیار خارج بمانند.

حضانت از دیدگاه اسلام، تنها پرورش کودک در بعد جسمی و تأمین نیازهای مادی وی نیست؛ این کمترین چیزی است که در پرورش انسان، لازم است. اینکه در روایات سفارش شده است در شیر دادن به کودک دقت کنید و هر زنی را برای شیردادن انتخاب نکنید^(۱)... (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۴۲) یا شیر زنی را که از زنا باردار شده است به کودکتان نخورانید^(۲) (طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ۱۳۹۰ ه ق، ج ۳: ۳۲۱) برای تأمین همین هدف است؛ زیرا اگر حضانت، تنها شیردادن و پرورش جسمی کودک بود، بین شیر زن نیکوکار و بدکار تفاوتی نبود. آنچه سبب شده است آموزه‌های دینی به یکی سفارش، و از دیگری نهی کند، تأثیر تکوینی عمیقی است که شیر در بعد معنوی و روانی کودک دارد.

از این روایات یا نمونه‌های فراوان دیگری که در این موضوع از پیشوایان دینی به ما رسیده است به دست می‌آید در پرورش کودک، اهتمام به بُعد روانی و معنوی، اگر لازمتر از توجه به بُعد جسمی و مادی نباشد، کمتر نیست.

به طور کلی شرایطی که برای سرپرست کودک در منابع معدودی از متون فقهی بیان شده عبارت است از: اسلام، عقل، حریت، قدرت، عدم ازدواج دوباره مادر، مقیم و امین بودن (نجفی،

۱۳۶۶، ج ۳۱: ۲۸۷ و عاملی، ۱۴۱۶ه ق، ج ۸: ۴۲۲ و خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴: ۹۰ و طباطبایی حائری، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۲۴۸). از دیدگاه فقهی از جمله شروط مهم در باب حضانت کودک شرط امین بودن سرپرست کودک است. این شرط جزء شروط اختلافی در میان آرای فقها است. برخی از فقها با شرطیت آن موافق هستند؛ عده‌ای نیز مخالفند و برخی نیز به این شرط اشاره‌ای نکرده‌اند؛ ضمن اینکه نسبت به مفهوم امانت بین آرای فقها نیز اختلاف نظر هست.

به دلیل دامنه قابل توجه اهمیت موضوع حضانت بویژه برای کودکان و درگیر بودن این موضوع با شرط امانتی که هم برای رد و هم برای اثبات آن دلایل قابل توجه وجود دارد و تاکنون وفاق فقهی در مورد آن صورت نگرفته است، لازم است در پژوهشی مستقل به رد یا اثبات این شرط پرداخته شود در حالی که برخی از فقها به طور کلی این شرط را ذکر نکرده و احراز موضع فقهی امامیه را دچار ابهام نموده‌اند. بنابراین لازم است بررسی شود دیدگاه فقه امامیه درباره شرط امین بودن سرپرست کودک و مفهوم آن چیست.

هدف این پژوهش شناخت دیدگاه‌های فقهی درباره شرط امین بودن سرپرست کودک و تشخیص مصداق آن براساس فقه امامیه و هم‌چنین تطبیق آن بر موارد سلامت کودک در صورت حضور نزد والدین از جهت روانشناسی است.

تا کنون پژوهشی به طور مستقل به این امر نپرداخته است و به سؤالات و ابهاماتی که در اطلاعات معاصران مورد توجه قرار گرفته، پرداخته نشده است. مسکوت ماندن و رسیدگی جامع نکردن باعث بروز نقاط ابهام و اجمال در فقه و حقوق گردیده است. از طرفی در خود آرای فقهی نیز دیدگاه‌های متفاوتی هست که ضرورت بررسی، دسته‌بندی و جمع آنها بر کسی پنهان نیست و جستجوی دقیقی در این زمینه صورت نگرفته است؛ لذا در این پژوهش برآنیم تا دلایل شرط امانت سرپرست کودک به طور دقیق و تفصیلی مورد بررسی قرار گیرد و مبانی و استدلال فقها مشخص، و مفهوم امانت روشن، و عوامل تشخیص امین بودن سرپرست کودک نیز تبیین شود. در همین راستا تفصیلی که مورد نیاز حقوق کودک در اوضاع فعلی است تأمین می‌شود و اجمال آن از بین می‌رود تا کمک شایانی به وضع و اصلاح قوانین مربوط به کودکان شود.

روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است و به تحلیل محتوای اسناد (آرا و نظریات) می‌پردازد. نوع

تحقیق، بنیادی و کاربردی، و روش گردآوری مطالب اسنادی است.

یافته‌ها

الف - مفهوم واژه «امانت» و واژه‌های متناظر و ارتباط میان آنها

پیش از ورود به بررسی آرای فقها، لازم است کلید واژه «امانت» و واژه‌های متناظر آن (عدالت، عدم فسق، عدم خیانت، عدم تجاهر به فسق) بررسی شود؛ زیرا این واژه‌ها در حکم مفرداتی است که عبارات معنادار فقها در بحث از شرط امانت سرپرست کودک را تشکیل می‌دهد؛ بدین منظور باید حدود معنای هر یک از این واژه‌ها معلوم گردد تا بدین وسیله ما را به درک صحیح و جامعی از آرای فقها برساند. هم‌چنین شرط امانت و مفاهیم نزدیک به آن مانند «عدالت» و «عدم فسق»، از قیودی است که موضوع تکالیف متعدد فقهی و حقوقی (شهادت، قضاوت، مرجعیت، امام جماعت و ...) است و در نتیجه آثار و مفاهیم در این قسمت، ویژه بحث حضانت نیست.

۱ - مفهوم‌شناسی واژه «امانت» و مشتقات آن

مهمترین واژه به کار رفته در مورد شرط «امانت» سرپرست کودک، کلید واژه «امانت» است. گاه اختلاف نظر فقها در مورد شرط امانت سرپرست کودک به معنا و مفهوم این واژه برمی‌گردد. به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب در آرای فقها، واژه «امانت» در کلام ایشان، بررسی می‌شود. می‌توان تمامی موارد کاربرد فقها را از مشتقات واژه «امانت» به صورت زیر بیان کرد:

۱ - عدم ضمان: در بسیاری از موارد فقها واژه «امین» را به کار برده‌اند و مقصودشان، عدم ضمانت فردی است که وی را امین دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۵ ه ق: ۱۳۳ و ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳: ۲۵۷ و طرابلسی، ۱۴۰۶ ه ق، ج ۲: ۶۵ و حلی، ۱۴۱۱ ه ق: ۱۰۵ و ۱۱۶ و عاملی، ۱۴۱۰ ه ق: ۱۴۳ و ۱۴۵ و نراقی، ۱۴۲۵ ه ق: ۳۱۱ و ۳۲۹ و نجفی، أنوار الفقاهة - کتاب الحواله، ۱۴۲۲ ه ق: ۷؛ رشتی گیلانی نجفی، ۱۳۱۱ ه ق: ۲۴۵؛ هادی‌همدانی، ۱۴۲۰ ه ق: ۷۴؛ مامقانی، ۱۳۱۶ ه ق، ج ۲: ۲۸۲؛ نجفی، ۱۴۲۳ ه ق، ج ۴: ۱۹؛ قمی، ۱۴۲۳ ه ق، ج ۲: ۳۳۲؛ نجفی، ۱۳۵۹ ه ق، ج ۲ قسم ۱: ۲۸۲؛ نجفی، ۱۳۶۶ ه ق، ج ۳: ۲۲ و ۲۴ و ۴۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۱۲: ۲۵۷ و ۲۶۰؛ مدرسی‌یزدی، ۱۴۱۰ ه ق: ۵۹۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۴ ه ق: ۱۵۸ و ۱۶۰؛ موسوی خویی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۱: ۱۱۶؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲: ۲۸ و ۴۴؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶ ه ق، ج ۹: ۱۵۹؛

روحانی قمی، ۱۴۱۷ ه ق: ۲۶۱؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۵ ه ق: ۳۸ و ۱۱۲ و ۲۶۴؛ ایروانی، ۱۴۲۷ ه ق، ج ۲: ۱۱۸؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ ه ق، ج ۳: ۱۴۴ و ۲۰۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ ه ق: ۴۷۹؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۶ ه ق: ۲۵۹؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ ه ق، ج ۴: ۶۷۶ و ج ۵: ۴۳۵؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۳ ه ق: ۹۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۲: ۲۹ و ۴۰؛ نجفی، ۱۴۲۷ ه ق: ۱۶۶ و ۱۷۲ و ۱۹۹؛ یوسفی فاضل، ۱۴۱۷ ه ق، ج ۲: ۴۱ و ۸۰؛ حلّی، ۱۴۱۸ ه ق، ج ۱: ۱۵۵ و ۱۶۵؛ عاملی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ۱۴۱۰ ه ق: ۱۶۰؛ فقعی، ۱۴۱۸ ه ق: ۱۸۸ و بحر العلوم، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۴: ۱۷۰؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۲: ۲۲۷؛ آملی، ۱۳۸۰ ه ق، ج ۱۲: ۲۸۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲: ۲۲۳؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۲: ۳۶؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۸ ه ق: ۱۸۹؛ حسینی سیستانی، ۱۴۲۲ ه ق: ۵۰۹؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ ه ق، ج ۲: ۴۳۵؛ فیاض کابلی، بی تا، ج ۸: ۳۹۰؛ سیفی مازندرانی، بی تا: ۱۹۸ و ۲۲۴).

۲- عدم خیانت: در بررسیها مشخص شد، موارد مقصود از کاربرد واژه «امین»، فرد غیرخائن است که ذیل عنوان عدم خیانت قرار گرفت (طرابلسی، ۱۴۱۱ ه ق: ۷۵؛ حلّی، ۱۴۰۸ ه ق، ج ۲: ۱۱۴؛ حلّی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۵: ۲۸ و ج ۱۶: ۲۲۰ و ج ۱۷: ۱۶۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۱۰: ۲۵۶؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ ه ق: ۵۱۰؛ میرزای قمی گیلانی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳: ۳۷۲؛ طباطبایی حائری، بی تا: ۴۶۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲، ص ۶۶۷ و موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۶، ص ۳۵۳ و مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ه ق، ج ۲، ص ۷۳ و موسوی خویی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۲، ص ۹۲ و موسوی خویی، ۱۴۱۸ ه ق، ج ۳۱، ص ۸۶ و موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲، ص ۲۸۲ و بصری بحرانی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۴، ص ۳۸۱ و حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ ه ق، ص ۱۲۱ و فیاض کابلی، ۱۴۲۶ ه ق، ص ۶۶۴ و سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷ ه ق، ص ۲۸۲ و مصطفوی، ۱۴۲۳ ه ق، ص ۳۵۷) مانند اینکه اگر یکی از دو شریک، علیه دیگری ادعای خیانت کند، اصل بر عدم خیانت وی است؛ زیرا شریک «امین» است.

۳- عدم فسق: در برخی از کاربردها نیز واژه «امین» در مقابل واژه «فاسق» به کار برده شده و به صراحت شخص «امین» فردی معرفی شده است که «فاسق» نباشد (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ ه ق، ص ۵۳ و طوسی، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۳، ص ۵۸۵ و حلّی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۳، ص ۱۸۵ و حلّی، ۱۴۲۰ ه ق، ج ۳، ص ۳۰ و حلّی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲، ص ۱۳۶ و اردبیلی، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۱۰، ص ۴۵۸ و بحرانی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۲۲ و نراقی، ۱۴۲۲ ه ق، ج ۱ بخش ۱، ص ۱۸۶-۱۸۷ و ص ۱۸۹ و سبزواری، ۱۴۲۵ ه ق، ص ۶۵۵ و نجفی، بی تا، ص ۱۷۷) مانند اینکه شرط است مؤذن امین باشد و فاسق امین نیست تا بتواند مؤذن قرار باشد.

جمع‌بندی: با توجه به اینکه در تمام موارد حکم به عدم ضمانِ امین، باید عدم خیانت و عدم فسق وی ثابت شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت عدم خیانت و عدم فسق، سبب و علت مسبب خود، یعنی حکم به عدم ضمان است؛ به عبارت دیگر «عدم ضمان» معنای اصطلاحی واژه «امانت» نیست بلکه نتیجه عدم فسق و عدم خیانت است. به همین دلیل در تمام مواردی که بحث از شخص امین در عقود رایج صورت می‌گیرد، فتاوا و آرا به سمت تقدیم قول امین و قبول سخن وی جهت می‌یابد (صیمیری، ۱۴۲۰ه ق، ج ۲، ص ۱۵۰ و سبزواری، ۱۴۲۳ه ق، ج ۱، ص ۶۹۹ و بحرانی، ۱۴۰۵ه ق، ج ۲۱، ص ۲۴۰ و بهبهانی، ۱۳۱۰ه ق، ص ۱۲۰ و نجفی، أنوار الفقاهة - کتاب المضاربه، ۱۴۲۲ه ق، ص ۱۹ و ص ۴۲ و طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ه ق، ج ۱، ص ۱۵۴ و شریف کاشانی، ۱۴۰۴ه ق، ص ۲۱ و مغنیه، ۱۴۲۱ه ق، ج ۴، ص ۱۰۸ و حسینی شیرازی، ۱۴۱۳ه ق، ص ۱۹۹ و حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ه ق، ج ۱، ص ۳۹۷)

۲- مفهوم‌شناسی واژه «عدالت» و مشتقات آن

واژه دیگری که متناظر واژه «امانت» در کلام فقها به کار رفته، «عدالت» است. به همین منظور در ادامه این واژه مورد جستجو قرار خواهد گرفت.

از دیدگاه فقه، «عدالت» در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان نقش اساسی دارد؛ از امام جماعت گرفته تا مرجعیت تقلید و تا زعامت عالی جامعه اسلامی، همه به «عدالت» مشروط هستند. سامانه قضایی اسلام بر محور «عدالت» قاضی و شهود می‌چرخد (احسائی، ۱۴۱۰ه ق: ۶۷-۶۸؛ نجفی، الفوائد الجعفریة، بی‌تا، ص ۶۲) و به طور کلی در بسیاری از ابواب فقه از عبادات و معاملات، «عدالت» نقش محوری دارد. از این رو فقهای امامیه به شناخت مفهوم «عدالت» و شفاف‌سازی تعریف آن همت گماشته و فراوان به نقض و ابرام آن پرداخته‌اند، ولی نتیجه واحدی به دست نیامده و آرای گوناگونی ارائه کرده‌اند.

تعاریف فقها از واژه «عدالت» به طور کلی به چهار عنوان تقسیم می‌شود:

- ۱- ملکه دانستن عدالت که موجب می‌شود شخص واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند. (عاملی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۹ و طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ه ق، ج ۱، ص ۵۳ و انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۶ و تبریزی، ۱۴۲۶ه ق، ص ۶۲ و حلی، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۱۴۱۳ه ق، ج ۳، ص ۴۹۴ و عاملی، ۱۴۱۹ه ق، ج ۴، ص ۱۰۱ و حلی، ۱۴۰۴ه ق، ج ۴، ص ۲۸۹ و مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۰ه ق، ص ۱۹۸ و نراقی، ۱۴۲۶ه ق، ص ۴۷۶ و نراقی، ۱۴۱۵ه ق، ج ۱۸، ص ۱۰۴).

۲- خود رفتار خارجی بدون اینکه به ملکه مستند باشد؛ یعنی انجام دادن واجبات و ترک محرمات (طوسی، ۱۴۰۸ ه ق، ص ۲۳۰ و حلی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲، ص ۱۱۷ و موسوی خویی، بی تا، ص ۲۵۳ و ۲۵۷ و عاملی، ۱۴۲۹ ه ق، ص ۷۹۱).

۳- عدم ظهور فسق (حلی، مختلف الشیعۀ فی أحكام الشریعۀ، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳، ص ۸۸ و حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۸، ص ۲۶۷ و انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۵ و نجفی، ۱۴۲۹ ه ق، ج ۱۳، ص ۴۶۶ و موسوی خویی، ۱۴۱۱ ه ق، ص ۱۸۷).

۴- حسن ظاهر (مفید، ۱۴۱۳ ه ق، ص ۷۲۵ و حلی، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۲، ص ۵۲ و تبریزی، بی تا، ص ۴۴۷-۴۴۹ و تبریزی، ۱۴۲۶ ه ق، ص ۶۳ و ۶۵ و حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ه ق، ج ۲، ص ۷۳۶ و قمی، ۱۴۲۲ ه ق، ص ۵۱۴). در نتیجه و در جمع میان اقوال می توان معنای اصطلاحی واژه «عدالت» را در میان فقها این گونه معنا کرد: عدالت ملکه‌ای است که به عمل خارجی به وظایف شرعی (انجام دادن واجبات و ترک محرمات) منجر می شود و راه شناخت آن عدم تحقق موضوع تجاهر و تظاهر به فسق است به این صورت که حتی با وجود زمینه‌های فسق در نهان پنهان مکلف، هیچ گاه این فسق به تجاهر و تظاهر نمی انجامد. اگرچه این فرض از قبیل فرد نادر نیست و بسیاری افرادی که رفتارهای باطنی غیر عادلانه دارند، ولی تظاهر و تجاهری ندارند.

۳- مفهوم‌شناسی واژه «فسق» و مشتقات آن

واژه دیگر واژه «فاسق» است. در اصطلاح، «فسق» به معنای ترک امر خداوند و میل به معصیت، (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۵، ص ۸۲ و صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۵، ص ۲۹۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۰، ص ۳۰۸ و واسطی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۳، ص ۴۰۱ و شعرانی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۲، ص ۷۱۵) خروج از طاعت و امر خداوند متعال (ابو الحسین، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۴، ص ۵۰۲ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه ق، ص ۶۳۶ و حمیری، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۵۱۸۷ و مقرئ فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۳ و طریحی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۵، ص ۲۲۸ و مصطفوی، ۱۴۰۲ ه ق، ج ۹، ص ۸۸ و قرشی، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۵، ص ۱۷۶ و حلی، بی تا، ج ۲، ص ۹۱۱ و صدر، ۱۴۲۰ ه ق، ج ۱، ص ۴۷) است. برخی فاسق را به معنای کسی دانسته‌اند که مرتکب گناه کبیره می شود و بر گناه صغیره مصر است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۱) در حالی که برخی به طور کلی معنای فاسق را غیر عادل می دانند (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۱۰، ص ۲۷۷ و بهبهانی، ۱۴۲۴ ه ق، ج ۱، ص ۴۲۸).

جمع‌بندی: در اصطلاح فقهی گاه «فسق» به طور کلی به معنای خروج از طاعت خداوند و

ترک امر شارع مقدس و گاه به معنای ارتکاب گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره و گاه نیز در

مقابل عدالت معنا شده است. به نظر می‌رسد معنای عام و اصلی واژه «فسق» همان معنای اول است در حالی که معنای دوم از جمله راه‌های شناخت فرد فاسق است.

۴- مفهوم‌شناسی واژه «تظاهر یا تجاهر به فسق»

اصطلاح دیگر مورد کاربرد فقها در بیان شرط «امانت»، «تظاهر به فسق» است. در کتابهای فقهی (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۱، ص ۲۹۱ و اراکی، ۱۴۱۳ ه ق، ص ۲۱۵ تا ۲۲۵ و جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی‌شاه‌رودی، ۱۴۱۷ ه ق، ج ۴، ص ۶۷۰-۶۷۱) زمانی که از متجاهر به فسق صحبت می‌شود، تنها بحث از جواز یا عدم جواز غیبت از وی مطرح است.

«تظاهر یا تجاهر به فسق» در لغت به معنای آشکارا انجام دادن گناه است و مراد از آن، ارتکاب علنی گناه با علم و التفات به گناه بودن آن در مرئی و منظر دیگران است. از این رو، ارتکاب گناه از روی جهل یا سهو، تجاهر به شمار نمی‌رود؛ چنانکه تظاهر به آن با عذر، هرچند غیر موجه - مانند همکاری با ظالم با ابزار معذور بودن در این کار- تجاهر به شمار نمی‌رود (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۱، ص ۴۱۶ و ص ۴۲۲ و حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۱۴، ص ۳۷۰). کسی که به گناه تظاهر می‌کند در شرع دارای حرمت نیست. از این رو، غیبت او نزد کسی که بر گناهش آگاه نیست جایز است و اگر کسی او را با عناوینی همچون فاسق، حقیر، پست و مانند آن از عناوین و القابی که استحقاق آن را دارد، خطاب کند، کیفر حد یا تعزیر بر او جاری نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۴۱، ص ۴۱۲). البته در اینکه غیبت کردن از چنین شخصی مطلقاً جایز است یا تنها در قلمروی گناهی که بدان تظاهر کرده، اختلاف است (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۱، ص ۲۹۱ و نجفی، أنوار الفقاهة - کتاب المکاسب، ۱۴۲۲ ه ق، ص ۳۶ و ۳۷)؛ افزون بر اینکه صریحاً تجاهر به فسق از موارد سقوط عدالت فرد متجاهر به شمار می‌آید (اراکی، ۱۴۱۳ ه ق: ۲۱۸ و ۲۱۹).

حدیث امام صادق (علیه‌السلام)^(۳) در زمینه راه‌های تشخیص عدالت افراد برای قبول شهادت نیز مؤید این است که یکی از راه‌های شناخت امانت و عدالت «عدم تجاهر و تظاهر به فسق» است بویژه اینکه در قسمتی از این حدیث به طور صریح به مبحث «تجاهر به فسق» اشاره شده است؛ آنجا که می‌فرمایند: «... و آنچه بر همه اینها دلیل است این است که از زشتی‌ها چنان خود را محفوظ نگهدارد که بر مسلمانان حرام باشد پاره‌ای از لغزشها و اشتباهات را در غیبتش بازگویند و یا از باطنش تفتیش کنند و بر آنها واجب باشد که در همه جا از او دفاع کنند؛ یعنی اگر کسی نسبت ناروایی به او داد از حَقِّش دفاع کنند و عدالتش را بر دیگران گوشزد نمایند.»؛ زیرا همان گونه که بیان شد، یکی از احکام مربوط به متجاهر به فسق جواز غیبت وی است؛ به عبارت دیگر

امام (علیه السلام) در این حدیث دو نکته را اشاره کرده‌اند: اولاً معنای متجاهر به فسق را بیان کرده و سپس تجاهر به فسق را یکی از راه‌های شناخت عدم عدالت فرد معرفی نموده‌اند. بنابراین حدیث امام (علیه السلام) مؤید نتیجه‌ای است که در مفهوم‌شناسی واژه «عدالت» به دست آمد؛ به عبارتی می‌توان ادعا کرد یکی از راه‌های شناخت «عدالت» فرد، عدم تجاهر وی به فسق است.

۵- ارتباط میان واژه‌های «امانت»، «عدالت» و «فسق»

حال که مفهوم سه واژه اساسی (امین و عادل و فاسق) مورد نیاز این پژوهش تبیین شد - شایان ذکر است هنگام بررسی کامل هر یک از این واژه‌ها در کلام فقها، هر کدام رقم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌داد - سعی می‌شود هر کجا این واژه‌ها به کار رفته است و با واژه دیگر ارتباطی دارد نیز استخراج شود و مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان از نتایج آن در تبیین شرط امین بودن سرپرست کودک و جستجوی کلام فقها استفاده نمود؛ به همین دلیل نتایج زیر، که حاصل بررسی تعداد زیادی داده است، ذکر خواهد شد. اگرچه برخی نتایج نیز در بررسی مفهومی این واژه‌ها استفاده شد و در اینجا برای پرهیز از طولانی شدن ارجاعات به ذکر چند منبع برای هر عنوان اکتفا می‌شود:

ارتباط میان واژه‌های «امین»، «عادل» و «فاسق»، در کلام فقها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱ - مواردی که واژه «امین» مترادف واژه «عادل» قرار گرفته است (مجلسی اصفهانی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۳، ص ۵۶۷ و طباطبایی حائری، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۵ و نجفی، أنوار الفقاهه - کتاب الصلاة، ۱۴۲۲ هـ ق، ص ۱۰۴ و عاملی کرکی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۸، ص ۱۹۲ و حلی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۱ و نجفی، ۱۴۲۳ هـ ق، ج ۴، ص ۷۹).

۲ - مواردی که واژه «امین» مقابل واژه «فاسق» قرار گرفته است (حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۲، ص ۱۳۶ و مازندرانی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۲، ص ۵۵۲ و فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ ق، ج ۳، ص ۳۶۶ و طوسی، ۱۳۸۷ هـ ق، ج ۳، ص ۳۳۸ و حلی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱۷، ص ۱۷۸ و ص ۳۱۴-۳۱۳ و حسینی عاملی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۱۰، ص ۱۰).

۳ - مواردی که واژه «عادل» مقابل واژه «فاسق» قرار گرفته است (بحرانی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۰۳ و حلی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۲، ص ۱۴۰ و شعرانی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۲، ص ۷۱۵ و نجفی، ۱۳۸۱ هـ ق، ج ۲، ص ۲۱۲ و صدر، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۱، ص ۴۷ و گیلانی، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۴، ص ۲۶۱ و طباطبایی حائری،

بی‌تا، ص ۴۹۵).

۴ - مواردی که واژه «امین» مقابل «متجاهر یا متظاهر به فسق» قرار گرفته است (نراقی، ۱۴۱۵ هـ ق، ج ۸، ص ۳۱)

۵ - مواردی که واژه «امین» مقابل واژه «خیانت» قرار گرفته است (حلی، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۲، ص ۱۱۴ و حلی، ۱۴۰۵ هـ ق، ص ۲۹۵ و ص ۳۱۵ و حلی، ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۱، ص ۴۲۵ و ص ۴۳۳ و ص ۴۳۵ و ص ۴۳۷ و حلی، ۱۴۱۱ هـ ق، ص ۱۰۵ و ص ۱۱۶ و حلی، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲، ص ۴۳۷ و ج ۳، ص ۱۵۸ و ص ۲۳۲ و ص ۲۵۴).

۶ - مواردی که واژه «امین» مقابل «عدم ضمان» قرار گرفته است (حلی، ۱۳۸۷ هـ ق، ج ۴، ص ۳۰۶ و حلی، ۱۴۲۴ هـ ق، ج ۱، ص ۵۳۱ و عاملی کرکی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹ و اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۶ و بهبانی، ۱۴۱۷ هـ ق، ص ۵۱۰).

جمع‌بندی: در مواردی، واژه «امین»، مترادف واژه «عادل» قرار گرفته است (مجلسی اصفهانی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۳، ص ۵۶۷ و طباطبایی حائری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۵ و نجفی، أنوار الفقاهة - کتاب الصلاة، ۱۴۲۲ هـ ق، ص ۱۰۴ و عاملی کرکی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۸، ص ۱۹۲ و حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۱ و نجفی، ۱۴۲۳ هـ ق، ج ۴، ص ۷۹) و همان‌گونه که بیان شد، عدالت ملکه‌ای است که به عمل خارجی است؛ بنابراین از یک جهت می‌توان ادعا کرد واژه «امین» در اصطلاح فقها نیز دارای همین معنا است؛ زیرا در بیان شرط «امانت» سرپرست کودک، فقها واژه‌های «عدالت» و «امانت» را به جای هم به کار برده‌اند؛ افزون بر اینکه همان‌گونه که در این تتبع به دست آمد در کلام فقها واژه «امانت» مترادف واژه «عدالت» به کار برده شده است.

در مورد اصطلاحات عدم فسق، عدم خیانت، عدم ضمان و ارتباط آنها با واژه «امین» پیش از این توضیح داده شد. در تمام مواردی که حکم به عدم ضمان مکلف می‌شود، باید پیش از آن عدم خیانت و عدم فسق وی ثابت شده باشد و در نتیجه عدم خیانت و عدم فسق، سبب و علت مسبب خود یعنی حکم به عدم ضمان است.

در مواردی که واژه «امانت» مقابل واژه «خیانت» قرار گرفته است (حلی، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۲، ص ۱۱۴ و حلی، ۱۴۰۵ هـ ق، ص ۲۹۵ و ص ۳۱۵ و حلی، ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۱، ص ۴۲۵ و ص ۴۳۳ و ص ۴۳۵ و ص ۴۳۷ و حلی، ۱۴۱۱ هـ ق، ص ۱۰۵ و ص ۱۱۶ و حلی، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲، ص ۴۳۷ و ج ۳، ص ۱۵۸ و ص ۲۳۲ و ص ۲۵۴) باید گفت در مواردی می‌توان حکم به خیانت فردی کرد که فسق

وی در ارتباطش با افراد ظاهر و آشکار شود؛ در غیر این صورت و در زمانی که فسق فردی نماد بیرونی نداشته باشد و بر ارتباط و عملکرد وی با افراد تأثیر نداشته باشد، نمی‌توان ادعای خیانت وی را کرد؛ اگرچه که وی در حقیقت خائن است. بنابراین در موضوعات و مباحث حقوقی، که واژه «خیانت» در مقابل واژه «امین» قرار می‌گیرد به نوعی متضمن معنای «تجاهر و تظاهر به فسق» است که یکی از راه‌های شناخت «امانت» و «عدالت» معرفی شد.

هم‌چنین در کاربرد فقها این فسق است که مخلاً امانت و عدالت (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۰۳ و حلی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۲، ص ۱۴۰ و شعرانی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۲، ص ۷۱۵ و نجفی، ۱۳۸۱ ه ق، ج ۲، ص ۲۱۲ و صدر، ۱۴۲۰ ه ق، ج ۱، ص ۴۷ و گیلانی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۴، ص ۲۶۱ و طباطبایی حائری، بی‌تا، ص ۴۹۵) به شمار می‌آید و دائماً مقابل این واژه قرار می‌گیرد. اما می‌توان ادعا نمود در مباحث حقوقی کاربرد واژه «فسق» به طور مطلق و تعیین نکردن حدود آن در مقابل واژه‌های «امین» و «عادل»، به مبهم ماندن مفهوم این واژه و واژه‌های مقابل آن مانند «امانت» و «عدالت» منجر گردیده است و نمی‌توان گفت مراد فقها، مطلق فسق است؛ زیرا فقها در مقام بیان حدود این فسق نبوده‌اند. اما می‌توان گفت از لحاظ مفهوم‌شناسی یکی از راه‌های شناخت آن تجاهر و تظاهر به فسق و انجام دادن کبائر و اصرار بر صغائر است.

به طور کلی این تظاهر به فسق است که اساس جستجو در احوال فرد مورد بحث در موضوعات حقوقی قرار می‌گیرد؛ اگرچه امکان دارد فردی در حقیقت فاسق باشد ولی فسق وی تجاهر بیرونی نداشته باشد.

ب - بررسی دلایل و آرای موافقان و مخالفان اشتراط امانت سرپرست کودک

شرط امانت سرپرست کودک از جمله شروط اختلافی میان فقها است. برخی از فقها، قائل به اشتراط امانت در سرپرست کودک هستند و برخی دیگر با اشتراط امانت مخالفت می‌ورزند و عده‌ای دیگر به طور کلی به شرطیت یا عدم شرطیت امانت سرپرست کودک اشاره نکرده‌اند.

۱- موافقان اشتراط امانت سرپرست کودک و دلایل آنان

عده‌ای از فقها (عاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۴۲۴-۴۲۵ و موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ه ق، ج ۱، ص ۴۶۹ و بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰ قسم ۲، ص ۳۴۰ و طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲، ص ۳۰۲ و سبزواری، بی‌تا، ص ۵۷۲ و فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۲ و سبزواری، ۱۴۲۳ ه ق، ج ۲، ص ۲۹۴

و طوسی، ۱۳۸۷ه ق، ج ۶، ص ۴۰ و عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۶) امانت را در سرپرست کودک شرط می‌دانند.

دلایل موافقان اشتراط امانت سرپرست کودک

موافقان اشتراط امانت سرپرست کودک دلایل خویش را به شرح ذیل بیان کرده‌اند:

۱ - فاسق را نمی‌توان امین قرار داد و به او یا خبرش اعتماد کرد (عاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۴۲۴-۴۲۵ و بحرانی، بی تا، ج ۱۰، قسم ۲، ص ۳۴۰).
دلیل لزوم عدم اعتماد به قول فاسق، نهی از «رکون الی الظالم» است که مقتضای دلالت آیه «و لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار...» (هود/۱۱۳) است.

ترجمه این آیه به این صورت است که «تکیه بر ظالمان نکنید و اعتماد و اتکای شما بر آنها نباشد؛ چرا که این امر سبب می‌شود که عذاب آتش، دامن شما را بگیرد». بنا به نظر مفسران، خداوند در این آیه بندگانش را از «رکون به افراد ظالم» نهی کرده است؛ خواه این رکون (تکیه و تمایل) در اصل دین باشد، مثل اینکه پاره‌ای از حقایق دین را که به نفع آنان است بگویند و از آنچه به ضرر ایشان است؛ دم فرو بندد و افشا نکند و چه اینکه در حیات دینی باشد؛ مثل اینکه به ستمکاران اجازه دهد تا به نوعی که دلخواه ایشان است در اداره مجتمع دینی مداخله کنند و ولایت امور عامه را به دست بگیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه ق، ج ۱۱، ص ۵۰ و ۵۱). حضانت نیز به نوعی ولایت به شمار می‌رود؛ بنابراین سپردن حضانت کودک به شخص ظالم مصداق «رکون الی الظالم» است.

اما آیا «فاسق» که در این دلیل ذکر شده همان «الذین ظلموا» است یا خیر؟ در کلام برخی از فقها (حلی، ۱۴۰۷ه ق، ج ۲، ص ۴۳۳ و سبزواری، ۱۴۲۱ه ق، ص ۸۴ و حلی، ۱۴۱۴ه ق، ج ۴، ص ۲۲ و و حلی، ۱۳۸۷ه ق، ج ۲، ص ۶۲۷ و حسینی حائری، ۱۴۱۵ه ق، ص ۹۲ و نجفی، ۱۴۲۴ه ق، ج ۱، ص ۹۹ و جزائری، ۱۴۱۶ه ق، ج ۶، ص ۸۷) فاسق مترادف «جائر» و «ظالم» است؛ به طوری که فقها در مقام استفاده از این آیه در کتابهای فقهی خویش، «ظالم» را مترادف «فاسق» دانسته‌اند.

بنابراین نهی این آیه سپردن کودک به شخص فاسق را نیز شامل می‌شود؛ زیرا وجود کودک مانند زمینی پذیرا برای هر کشتی است که سرپرست کودک بر سرزمین وجودی وی وارد می‌کند. مسلم است افرادی که در زندگی خود ظلم کوچکی را مرتکب شده، و گاهی مصداق این عنوان بوده‌اند داخل در مفهوم آن نیستند؛ زیرا در این صورت کمتر کسی از آن مستثنی خواهد بود و رکون و اتکا به هیچ کس مجاز نخواهد شد مگر اینکه معنی رکون را اتکا و اعتماد در همان

جنبه ظلم و ستم بدانیم که در این صورت حتی کسانی را که یک بار دست به ظلم آلوده‌اند، شامل متجاهر می‌شود (پیشین، ج ۹، ص ۲۶۱). بنابراین فاسق مورد نظر در این دلیل، فاسقی است که فسقش آشکار بوده و به عبارتی به فسق خویش متجاهر است و به سبب اعتماد به وی، ضرری به کودک وارد می‌شود.

هم‌چنین تا زمانی که از فسق فاسق آگاه نیستیم، مخاطب شرعی دلالت این آیه قرار نمی‌گیریم درحالی که اطلاع از فسق نیز مستلزم تجاهر به آن است. فقیه در این دلیل، فرد شایع ورود ضرر یعنی تجاهر به فسق را مورد توجه قرار داده است.

۲ - نمی‌توان از خیانت سرپرست کودک غیرامین در حفاظت از کودک در امان بود (عاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ و موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ه ق، ج ۱، ص ۴۶۹)

همان گونه که پیش از این در مبحث ارتباط میان واژه «امانت» و «خیانت» بیان شد، خیانت در مقابل مطلق امانت نیست؛ بلکه خیانت مقابل امانت به معنای عدم «تجاهر به فسق» است؛ زیرا در مواردی می‌توان به خیانت فردی حکم کرد که فسق وی در ارتباطش با افراد ظاهر و آشکار شود و در صورت ظهور و بروز فسق است که گاه به کودک ضرر وارد می‌شود. بنابراین این دلیل اخص از مدعا است؛ زیرا موافقان اشتراط امانت در بیان این دلیل، امانت را مقابل مطلق عدم فسق می‌دانند در حالی که این دلیل مختص تجاهر و تظاهر به فسق سرپرست کودک است. مستدل در این دلیل خیانت سرپرست کودک را به دلیل ضرر رساندن به حفاظت کودک مطرح نموده است. گویی سرپرست کودک خائن، که نماد خائن‌بودنش تجاهر به فسق است به دلیل ضرر رساندن به کودک شایستگی حضانت را ندارد.

۳ - سرپرست کودک، کودک را براساس مسلک و روش خود پرورش می‌دهد و جان کودک مانند زمینی خالی است که هر آنچه را در آن کاشته شود پذیرا است (عاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۴۲۴ و ۴۲۵).

در این دلیل مستدل به موضوع تربیت کودک پرداخته که از افراد ولایت است و گویی اشتراط عدالت و امانت را لازمه تربیت صحیح کودک به شمار آورده است در حالی که با دقت در کلام فقها در زمینه شرایط ولی برای اعمال ولایت، که تربیت نیز از افراد آن است، می‌توان ادعا کرد شرایط مورد اتفاق فقها برای ولی در فقه، اسلام، بلوغ، عقل و حریت است (موحدی لنکرانی، ۱۴۲۱ ه ق، ص ۱۱۶ و بحرانی، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۲۳، ص ۲۶۷ تا ۲۷۱). در مورد اشتراط عدالت ولی، تنها عده اندکی از فقها صراحتاً پدر فاسق را دارای ولایت نمی‌دانند (حلی، ۱۳۸۷ ه ق، ج ۲،

ص ۶۲۸) در حالی که مشهور فقها دلیلی برای اشتراط عدالت به منظور اعمال ولایت پدر و جد پدری قائل نیستند و ولایت را حتی در صورت فسق آنان، پابرجا می‌دانند (غروی نائینی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲، ص ۳۳۰ و حلی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲، ص ۵۶۴ و عاملی کرکی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۱، ص ۲۷۶ و نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۶، ص ۱۰۲). در نتیجه، بنا به قول مشهور فقها ولایت بر صغیر به عدالت مشروط نیست؛ پس تربیت نیز، که از افراد ولایت است به عدالت ولی مشروط نیست تا بتوان ادعا کرد در صورت فسق سرپرست کودک، تربیت کودک به مخاطره می‌افتد.

مشهور فقهای امامیه عدم مفسده را شرط تصرفات ولی (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲، ص ۳۳۲) و برخی دیگر مصلحت را شرط تصرفات وی می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۷ ه ق، ج ۲، ص ۲۰۰ و حلی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۱، ص ۴۴۱ و حلی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲، ص ۱۳۵). در نتیجه صلاحیت ذاتی ولی، مورد نظر فقها نیست (پس فسق ذاتی ولی نیز ضرری به ولایت وی نمی‌رساند)، بلکه حسن عملکرد ولی و آسیب (ضرر) نرساندن وی به کودک مورد توجه است؛ لذا می‌توان ادعا کرد که همان گونه که تصرفات ولی در امور مالی باید بر مبنای عدم مفسده و حسن عملکرد وی باشد به طریق اولی تربیت وی نیز باید بر همین مبنا قرار بگیرد؛ به عبارت دیگر حسن عملکرد نشانه عدم ضرر کودک و جلب مصلحت وی است.

۴- فاسق کودک را گمراه می‌نماید (طوسی، ۱۳۸۷ ه ق، ج ۶، ص ۴۰).

همان گونه که می‌دانیم شارع مقدس به طور دائم در موضوعات متعدد فقهی (مانند منع ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۳۰، ص ۲۸) گمراهی دینی را مورد توجه قرار داده و هر عاملی که مکلف را به گمراهی مبتلا نماید، ممنوع کرده است. حضانت نیز به منظور حفظ مصلحت کودک تشریح شده است (عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۵، ص ۴۵۸، سبزواری، ۱۴۲۳ ه ق، ج ۲، ص ۲۹۲) و مصالح اخلاقی و ایمانی از مهمترین مصالح کودک است. در نتیجه گمراهی کودک نقض مبنای شارع در تشریح حضانت خواهد بود.

در اینجا که مستدل فاسق بودن را دلیل بر گمراهی کودک دانسته به این سبب است که گمراهی ضرر است و به منظور دفع ضرر باید کودک تحت حمایت قرار گیرد. همان گونه که مشاهده می‌شود فاسق بودن به طور مطلق دلیل بر گمراهی قرار گرفته و شخص فاسق برای تصدی حضانت صالح دانسته نشده است به درک عقل قطعی یقیناً فاسقی مدنظر است که در نتیجه تجاهر

به فسق موجب گمراهی کودک گردد؛ در غیر این صورت، فسق، که مراتب مختلف آن در هر فردی می‌تواند باشد تا وقتی تجاهر و تظاهر نیافته است، نمی‌تواند اساس گمراهی کودک و ورود ضرر به وی باشد؛ به عبارت دیگر متجاهر به فسق چه با حداقل و چه با حداکثر حد تجاهر، کسی است که احتمال گمراهی دینی مولی‌علیه خود و ورود ضرر را خواهد داشت، نه شخصی که هیچ تجاهری ندارد و صفت‌های دینی خود را مکتوم و پنهان می‌سازد. فهم عرف هم قضاوت موافق در این باره دارد؛ زیرا بسیارند والدینی که علی‌رغم ابتلائات دینی و فرهنگی خود بشدت نسبت به رشد و صلاح فرزند خود اهتمام می‌ورزند. مضافاً حضور کودک نزد والدین خود تا وقتی به فسق متجاهر نیستند شرط اساسی سلامت و تربیت صحیح کودک است؛ زیرا والدین به دلیل شفقت ذاتی که نسبت به کودک خویش دارند، بیش از هر شخص دیگری به کارهای مربوط به کودک اهتمام خواهند ورزید.

۲ - مخالفان اشتراط امانت سرپرست کودک و دلایل آنان

برخی از فقها (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ه ق، ج ۱۲، ص ۱۵۶ و شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۲۵، ص ۷۹۶۷ و حلی، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳، ص ۱۰۲ و انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ ه ق، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۵۸) با شرط دانستن امانت برای سرپرست کودک مخالفت ورزیده و این امر را به صراحت بیان کرده‌اند.

دلایل مخالفان اشتراط امانت سرپرست کودک

دلایل این دسته از فقها عبارت است از:

۱ - دلایل حضانت عام است و به شخص «عادل» اختصاص ندارد (حسینی عمیدی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۲، ص ۵۳۱ و انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ ه ق، ج ۱، ص ۳۵۶ تا ۳۵۸).
این دلیل، جایگاه عام و خاص در دلایل شرعی لفظی را بیان می‌کند. انعقاد امور در دلایل شرعی لفظی به شرایطی مانند عدم تخصیص مشروط است و زمانی می‌توان به عموم دلیلی تمسک نمود که قیدی برای تخصیص آن دلیل نباشد. بنا به نظر مخالفان اشتراط امانت نیز دلایل حضانت عام است و قید امانت در دلایل حضانت نیست.

اگرچه می‌توان گفت درست است که دلایل حضانت عام است و مخصص «لفظی» امانت در آنها نیست، مخصص‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود و دسته دیگر مخصص‌ها، مخصص‌های «لبی» است. مقصود از مخصص «لبی»، مقابل مخصص «لفظی» است. نظیر اجماع و دلیل عقلی که از جمله دلایل است و از نوع الفاظ نیست. بنا به نظر شیخ انصاری (ره) و مرحوم مظفر (ره) این

مخصص نیز مانند مخصص «لفظی» مزاحم ظهور عام است (مظفر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶۶ تا ۲۷۲). می توان ادعا کرد، عقل قطعی حکم می کند اگر سرپرست کودکی به دلیل فسق و عدم امانتش موجب ورود ضرر به کودک گردد، شایستگی تصدی حضانت را ندارد و بدین وسیله نوعی تقیید «لبی» برای دلایل حضانت در نظر گرفت.

۲- عطف و مهربانی و قیام به کار کودک که معلول رابطه نسبی بین مادر و کودک است، علت شفقت و مهربانی کامل مادر نسبت به فرزند خود است (حلی، ۱۳۸۷ه ق، ج ۳، ص ۲۶۵). باید توجه کرد گاه هواهای نفسانی و فسق بر عطف و مهربانی والدین غلبه می کند و می تواند خلاف غریزه شفقت و مهربانی والدین، آنان را به کارهایی و ادار کند که برای کودک مضر است؛ در این صورت نمی توان به دلیل مهربانتر بودن والدین که وظیفه حضانت کودک را برعهده دارند، ضرر کودک را نادیده انگاشت.

۳- اگر فرض شود دلایل دیدگاه موافقان اشتراط امانت، موجه و تام است، این دلایل گاه در مورد پدر نیز باید جاری باشد و موجب سلب حضانت وی شود (بحرانی، ۱۴۰۵ه ق، ج ۲۵، ص ۹۳ و طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ه ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

به این دلیل که موافقان اشتراط امانت سرپرست کودک در بیان دو دلیلی که در مورد ۴ گذشت، سرپرست کودک را تنها مادر به شمار آورده بودند، مستدلان در این دلیل با تأکید بر این امر، که استدلال بیان شده (نمی توان از خیانت سرپرست غیر امین کودک در حفاظت از کودک در امان بود). تنها به مادر مختص نیست و اگر قرار باشد که در حضانت کودک توسط شخص غیر امین به وی خیانت شود، این امر توسط پدر نیز امکان تحقق دارد، سعی در رد این استدلال نموده اند.

۴- روشن و بدیهی است که طبیعت مادر بر این قرار گرفته است تا نسبت به فرزندش مهربان باشد و در قیام به شئون وی و مهربانی نسبت به وی در همه احوال حرص داشته باشد و هم چنین بر تأمین مصالح و منافع کودک خویش حریص باشد. همه این موارد در طبیعت مادر هست و به عبارت دیگر، منشأ حضانت شفقتی است که در سرپرست کودک وجود دارد و از لوازم طبیعت و سرشت هر حیوانی است و این بدیهی است و هیچ گونه شکلی در مورد آن نیست. حال چگونه با این احوال یکی از دلایل موافقان اشتراط امانت، امکان خیانت مادر در نگهداری از کودک ذکر شده است (بحرانی، ۱۴۰۵ه ق، ج ۲۵، ص ۹۳ و نجفی، ۱۴۰۴ه ق، ج ۳۱، ص ۲۸۹ و فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ه ق، ج ۷، ص ۵۵۶).

این دلیل به شفقت و مهربانی مادر اشاره می‌کند افزون بر اینکه در این دلیل عدم جمع خیانت با شفقت مادر ذکر گردیده است؛ زیرا شفقت که رفتارهای دلسوزانه خارجی است، نمی‌تواند خیانت به شمار می‌رود.

در مبحث مفهوم‌شناسی واژه «امانت» و واژه‌های مقابل آن بیان شد در مواردی می‌توان به خیانت فردی حکم کرد که فسق وی در ارتباطش با افراد ظاهر و آشکار شود؛ در غیر این صورت و در زمانی که فسق فردی نماد بیرونی نداشته باشد و بر ارتباط و عملکرد وی با افراد تأثیر نداشته باشد، نمی‌توان ادعای خیانت وی را نمود. در مورد حضانت کودک نیز این‌گونه است و مسلم است تا زمانی که خیانت مادر تجاهر و تظاهر بیرونی نداشته باشد بر اساس ملاک مهربانتر بودن، حضانت کودک همچنان برعهده مادر قرار دارد اما در ارتباط با خیانت در حضانت کودک، رفتارهای مادر به‌گونه‌ای است که اطرافیان اذعان به خیانت و ضرر کودک دارند و امر به گونه‌ای است که نمی‌توان به حساب مهربانتر بودن والدین گذاشت.

۵- پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله وسلم) و هیچ یک از ائمه (علیهم السلام) شخص فاسق را از تربیت و حضانت کودک منع ننموده‌اند و اگر بنا بر این بود که شخص فاسق عهده‌دار حضانت فرزندش نگردد، باید به عنوان یک امر مهم برای امت اسلامی بیان می‌شد و اهتمام امت به نقل آن و استمرار عمل بر اساس آن مقدمه بیانهای بسیاری بود که برای آنها نقل شده بود (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ه ق، ج ۱، ص ۳۵۶ تا ۳۵۸).

در اینجا دلایل موافقان و مخالفان به پایان رسید؛ اما در ادامه ذکر دو نکته ضروری است:
الف) در میان اقوال فقیهانی که اشتراط امانت سرپرست کودک را نمی‌پذیرند، دو مورد قابل توجه وجود دارد:

۱- برخی ظهور خیانت سرپرست کودک و عدم امانت وی را عامل سقوط حق حضانت سرپرست کودک دانسته‌اند؛ به این صورت که اگر عدم امانت مادر (خیانت وی) در محافظت از کودک ظاهر شود، امکان دارد قائل به سقوط حضانت وی و عدم شمول اطلاق دلایل برای وی شویم (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۳۱، ص ۲۸۹ و بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۶ه ق، ج ۴، ص ۱۰۳ و شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ه ق، ج ۲۵، ص ۷۹۶۷)؛ به عبارت دیگر در مواردی که خیانت مادر نسبت به کودک احراز شود به گونه‌ای که سپردن کودک به وی خیانت به کودک در نظر عرف به شمار آید، مادر حقی نسبت به حضانت کودک خود ندارد. اما در موارد شک، مقتضی قاعده سپردن کودک و تسلیم وی به مادر است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ه ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲)

این نکته دقیقاً همان مطلبی است که در پاسخ به مخالفان اشتراط امانت بیان شد. در آن دلیل مخالفان اشتراط امانت ادعا نموده بودند که با وجود ملاک مهربانتر بودن امکان خیانت سرپرست کودک وجود ندارد ولیکن پاسخ داده شد در مواردی می‌توان به خیانت فردی حکم کرد که فسق وی در ارتباطش با افراد ظاهر و آشکار شود؛ در غیر این صورت و در زمانی که فسق فردی نمود بیرونی نداشته باشد و بر ارتباط و عملکرد وی با افراد تأثیر نداشته باشد نمی‌توان ادعای خیانت وی را نمود. در مورد حضانت کودک نیز این‌گونه، و مسلم است تا زمانی که خیانت مادر تجاهر و تظاهر بیرونی نداشته باشد بر اساس ملاک مهربانتر بودن، حضانت کودک همچنان برعهده مادر قرار دارد. در این مورد به مخالفان اشتراط امانت پاسخ داده شده و به این امر معترفند در جایی که خیانت سرپرست کودک و ورود ضرر به کودک مسلم شود، نمی‌توان به حساب ملاک مهربانتر بودن والدین گذاشت. در این‌گونه موارد باید از کودک حمایت کرد.

۲- اگر فسق سرپرست کودک موجب اضرار به کودک به نحو لایطاق در زمینه حضانت شود، فسق، موجب سلب حضانت از کودک می‌گردد. ولی دلیل این سلب حضانت «نفی ضرر و اضرار» از کودک است؛ نه فسق و عدم عدالت سرپرست کودک (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ه ق، ج ۱، ص ۳۵۶ تا ۳۵۸).

در این مورد ورود «ضرر» به کودک به عنوان ملاکی کلی سلب حضانت وی در نظر گرفته شده است.

در مورد بندهای ۱ و ۲ می‌توان گفت هر چند در کلام فقها دو بیان متفاوت هست در واقع مبنای کلی دفع ضرر مورد توجه است؛ به عبارتی در بند ۱ ظهور خیانت به این علت عامل سلب حضانت سرپرست کودک به شمار آمده است که موجب ضرر کودک می‌شود.

این نکته در بررسی دلائل موافقان و مخالفان شرط امانت سرپرست کودک نیز که قبلاً بیان شد، مشهود است. در برخی موارد دلائل به سمتی هدایت شد که تنها در صورت تجاهر و تظاهر به فسق می‌توان برای آنان دلالت قائل شد. علت سلب حضانت در این‌گونه موارد به این دلیل است که ورود ضرر به سبب تجاهر و تظاهر به فسق، شایع است؛ به عبارتی چون در غالب موارد تجاهر به فسق به ورود آسیب و ضرر به کودک منجر می‌گردد، مستدلان، دلائل خود را برای فرد شایع و غالب (تجاهر به فسق) بیان نموده‌اند. اما در مواردی نیز بدون اینکه تجاهر یا تظاهری باشد، ضرر محقق می‌گردد و در این موارد تنها نفی ضرر ملاک است؛ مانند جایی که سرپرست کودک مخفیانه و با القائاتی که به کودک می‌کند، موجب گمراهی دینی و ... کودک گردد.

ب) برخی از فقها سعی در جمع میان اقوال - قائلان به اشتراط امانت و قائلان به عدم اشتراط امانت - نموده‌اند به این صورت که شاید بتوان بین «عدم اشتراط عدالت» و «اشترط عدم فسق» جمع نمود؛ زیرا بین این دو حد وسطی وجود دارد؛ به این دلیل، که ظهور فسق را به دلیل خطرهایی که دارد، مانع حضانت قرار دهیم در حالی که کسانی که فسقشان را پنهان می‌نمایند، خطرهای فردی را ندارند که متجاهر به فسق است؛ اگرچه شاید این افراد عدالتشان نیز ظاهر نشود (عاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ و بحرانی، بی تا، ج ۱۰، قسم ۲، ص ۳۴۰).

این قول نیز ظهور فسق را به این دلیل موجب سلب حضانت می‌داند که موجب بروز خطر و ضرر برای کودک می‌گردد و به نوعی فرد شایع از موارد ورود ضرر به کودک توسط سرپرست کودک را بیان نموده است. بنابراین در سرتاسر بررسی دلائل و اقوال فقها رد پای «عدم ضرر» مشهود است.

جمع‌بندی: به طور کلی می‌توان ادعا کرد میان «ضرر» و «تجاهر به فسق» عموم و خصوص من وجه است و نمی‌توان معنای امانت را مطلق تجاهر به فسق در نظر گرفت؛ زیرا هر تجاهر به فسقی به ضرر کودک منجر نمی‌گردد بلکه در برخی از موارد با اینکه سرپرست کودک به فسق تجاهر دارد بشدت در رفتارهای حضانتی خود مراقبت می‌کند و کودک را از فضای تجاهر و ضرر دور نگه می‌دارد درحالی که برعکس این مورد نیز هست و برخی از اقدامات سرپرست کودک مضر به حال کودک است؛ گرچه تجاهر و بروز بیرونی ندارد. در این حالت سرپرست کودک به دلیل نداشتن درایت و صلاحیتهای لازم تصدی کار تربیتی کودک، موجب ورود ضرر به وی می‌شود؛ مانند افرادی که نظرهای ویژه فردی نسبت به تربیت فرزندانشان دارند؛ به عنوان مثال، اعتقادی به تحصیل دختران ندارند و یا به روابط آزاد اجتماعی معتقد هستند و زمینه‌های این روابط را نیز فراهم می‌کنند.

بنابراین بحث از تجاهر به فسق در موضوع حضانت کودک، ویژگی منحصر به فردی ندارد؛ زیرا دلائل و آرای فقها به مصالح کودک و عدم ورود ضرر به وی توجه دارد.

جدای از اینکه جلب مصلحت کودک می‌تواند دلیل موافقان اشتراط امانت مطرح شود، این امر نیز باید مورد توجه قرار بگیرد که جلب مصلحت کودک امری است که در فلسفه تشریح حکم حضانت بیان شده است. بنابراین در حضانت کودک تنها نمی‌توان به دفع ضرر و مفسده از وی کفایت نمود؛ زیرا در آرای فقها (عاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۴۲۱ بحرانی، بی تا، ج ۱۰، قسم ۲، ص ۳۳۴، حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۲۲، ص ۳۰۲) در موضوع حضانت، جلب مصلحت

کودک از موجبات تشریح حضانت شمرده شده است.

بنابراین فسق سرپرست کودک در صورتی که ضرری متوجه کودک گرداند و مصالح وی را نیز تأمین نکند، می‌تواند از موجبات سلب حضانت کودک باشد. فرض عقلایی این معنا نیز صحیح است؛ به این صورت که سرپرست کودکی فاسق باشد اما رفتارهای حضانتی وی به گونه‌ای باشد که هم دفع ضرر از کودک خویش، و هم جلب مصلحت وی را می‌کند. در این صورت ملاک در تشریح حضانت نیز از بین نرفته است؛ زیرا اگر به ضرری نشدن اکتفا شود ملاک در تشریح حضانت از بین می‌رود.

دائماً فهم عرفی قاضی هم به این است که سرپرست کودک فاسق می‌تواند هم دفع ضرر، و هم جلب مصلحت کند به این صورت که از طریق عدالت در رفتارهای شخصی خود خارج شود اما نسبت به تأمین مصالح کودک و دفع آسیب و ضرر از وی مصر است.

چه بسا سرپرست کودکی که فاسق است و در رفتارهای بیرونی خود مرتکب رفتاری مانند اعتیاد و مصرف مشروبات و الکل و ... شود ولی بشدت نسبت به کودک خود حساسیت نشان دهد و او را از فضاهایی که خود در آن حضور دارد دور نگه دارد و رفتارهای حضانتی خود را بدرستی انجام دهد به طوری که بسیار دیده شده است، سرپرست کودک اذعان می‌کند مایل نیست کودک او نیز مانند خود او گرفتار این معضلات گردد و بدین دلیل بشدت در حضور کودک مراقب رفتارهای خویش است و اجازه نمی‌دهد از این جهت ضرری متوجه کودک گردد.

درست است که گذاشتن شرط امانت به طور کامل بی‌فایده نیست و معمولاً میان فسق و ضرر وارد شده به کودک در بعضی از آمارها و مصداقها رابطه‌ای مستقیم هست، همیشه این گونه نیست و اگر نبود رابطه من‌وجه میان مفهوم فسق و ضرر، همان گونه که در آغاز به ذهن هر مخاطبی تبادر می‌شود به دلیل اینکه حضانت برای جلب مصلحت تشریح شده است و مصلحت از فاسق صادر نمی‌شود، باید شرط امانت پذیرفته می‌شد. اما هم مبنای شفقت و هم درک مصداق متغایر در بیرون ما را به سمت رأی به تفصیل رهنمون می‌سازد.

یافته‌ها

- بررسی دلائل و آرای فقها نشان می‌دهد مبنای اصلی سلب حضانت از سرپرست کودک براساس شرط امانت، «ضرر کودک» است؛ زیرا قدر متیقن مفهوم دلائل در تشریح حضانت، جلب

مصلحت است و شرط ضروری جلب مصلحت کودک، دفع ضرر از وی است. هرگاه ثابت شود فسق سرپرست کودک به امور کودک سرایت نموده است و نه تنها مصلحتی در این حضانت نیست بلکه ضرر یا ضررهایی به وی وارد می‌کند، قطعاً حکم به سلب حضانت از سرپرست کودک غیر امین می‌شود؛ در غیر این صورت وجود فسق در سرپرست کودک به خودی خود دلیل سلب حضانت نیست افزون بر اینکه حضور کودک نزد والدین سرپرست خود تا وقتی که به فسق متجاهر نیست شرط اساسی سلامت و تربیت صحیح کودک است؛ زیرا والدین به دلیل شفقت ذاتی که نسبت به کودک خویش دارند، بیش از هر شخص دیگری به امور مربوط به کودک اهتمام خواهند ورزید؛ به عبارت دیگر صرف «امانت» یا «صلاحیت اخلاقی» موضوعیت ندارد.

بحث و تفسیر یافته‌ها

- در کلام فقها واژه «امین»، مترادف واژه «عادل» قرار گرفته است. هم‌چنین فقها در بیان شرط «امانت» سرپرست کودک، واژه‌های «عدالت» و «امانت» را به جای هم به کار برده‌اند؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد واژه «امین» در اصطلاح فقها نیز دارای همان معنای فقهی «عدالت» است.

- در بحث از تقابل معنایی واژه «امانت»، این واژه در کاربرد فقها مقابل اصطلاحات عدم ضمان، عدم فسق و عدم خیانت به کار برده شده است. اما با توجه به اینکه در تمام موارد حکم به عدم ضمان امین، باید عدم خیانت و عدم فسق وی ثابت شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت عدم خیانت و عدم فسق، سبب و علت مسبب خود، یعنی حکم به عدم ضمان است؛ به عبارت دیگر «عدم ضمان» معنای اصطلاحی واژه «امانت» نیست بلکه نتیجه عدم فسق و عدم خیانت است.

- در ارتباط با اشتراط امانت سرپرست کودک، دلایل فقها در برخی از موارد به سمتی هدایت شد که تنها در صورت تجاهر و تظاهر به فسق سرپرست کودک است که می‌توان برای آنان دلیل قائل شد. علت سلب حضانت در این گونه موارد به این دلیل است که ورود ضرر به سبب تجاهر و تظاهر به فسق، شایع است؛ به عبارتی چون در غالب موارد تجاهر به فسق به ورود آسیب و ضرر به کودک منجر می‌گردد، مستدلان دلایل خود را برای فرد شایع و غالب (تجاهر به فسق) بیان نموده‌اند. اما در دلایل مواردی نیز هست که بدون تجاهر یا تظاهر به فسق سرپرست کودک، ضرر محقق می‌گردد و در این موارد تنها «نفی ضرر» ملاک است.

- در مبحث حضانت و بویژه شرط امانت، آرای فقها به سمت «دفع ضرر» از کودک پیش می‌رود و دائماً شرایط و اوضاع کودک مدنظر است نه سرپرست کودک.

- میان «ضرر» و «تجاهر به فسق» رابطه عموم و خصوص من وجه است و نمی‌توان معنای امانت را مطلق تجاهر به فسق در نظر گرفت؛ زیرا هر تجاهر به فسقی به ضرر کودک منجر نمی‌گردد. - به این سبب به تجاهر به فسق توجه ویژه شده که ورود ضرر به کودک در این موارد شایع است در حالی که مبنای اصلی سلب حضانت از سرپرست کودک، تجاهر و تظاهر به فسق، بلکه مبنای اصلی «ضرر کودک» است. مبنای وجوب حضانت نیز بنا به نهی نبوی «لاضرر ولاضرار»، وجوب دفع ضرر از کودک است.

- جلب مصلحت کودک در فلسفه تشریح حکم حضانت بیان شده است؛ بنابراین در موضوع حضانت کودک تنها نمی‌توان به دفع ضرر و مفسده از وی کفایت نمود؛ زیرا در آرای فقها در موضوع حضانت، جلب مصلحت کودک از موجبات تشریح حضانت شمرده شده است و هم‌چنین هر عدم ضرری با جلب مصلحت کودک مساوی نیست؛ بلکه مصلحت معنایی اثباتی است که با توجه به متعلق خاص خود در هر زمینه‌ای معنای جدیدی را به وجود می‌آورد.

- فسق سرپرست کودک در صورتی که ضرری متوجه کودک گرداند و مصالح وی را نیز تأمین نکند، می‌تواند از موجبات سلب حضانت کودک باشد. در این صورت ملاک در تشریح حضانت نیز از بین نرفته است؛ زیرا اگر به ضرری نشدن اکتفا شود ملاک در تشریح حضانت از بین می‌رود.

- در موضوع شرط امانت سرپرست کودک، خصوص «امانت» و «صلاحیت اخلاقی» موضوعیت ندارد. بلکه ملاک شرط امانت سرپرست کودک همان ملاک کلی دفع ضرر و جلب مصلحت از کودک است؛ بنابراین نه می‌توان مطلقاً دلایل موافقان و نه دلایل مخالفان اشتراط امانت سرپرست کودک را پذیرفت. بلکه این پژوهش قائل به رای به تفصیل است که براساس آن امانت سرپرست کودک به شرطی که به ضرر کودک منجر شود و مصالح وی را تأمین نکند، ملاک خواهد بود؛ به عبارت دیگر وجود یا عدم شرط امانت به تنهایی نمی‌تواند ضابطه صلاحیت سرپرست کودک قرار بگیرد، بلکه عدم امانت ضابطه عدم صلاحیت قرار می‌گیرد که به ضرر کودک و دفع مصلحت وی منجر گردد.

- درست است که گذاشتن شرط امانت به طور کامل بی‌فایده نیست و معمولاً میان فسق و ضرر وارده شده به کودک در بعضی از آمارها و مصداقها رابطه‌ای مستقیم هست، ولی همیشه این‌گونه

نیست؛ به عبارت دیگر اگر نبود رابطه من وجه میان مفهوم فسق و ضرر، همان گونه که در آغاز به ذهن هر مخاطبی تبادل می شود به دلیل اینکه حضانت برای جلب مصلحت تشریح شده است و مصلحت از فاسق صادر نمی شود، باید شرط امانت پذیرفته می شد. اما هم مبنای شفقت و هم درک مصداقهای متغایر در بیرون، ما را به سمت رأی به تفصیل رهنمون می سازد.

یادداشت‌ها

- ۱ - «عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «انظروا من ترضع اولادکم فان الولد یشب علیه». محمدبن یحیی، عن احمدبن محمد، عن العباس بن معروف، عن حمادبن عیسی عن الهیثم، عن محمدبن - مروان قال: قال لی ابو جعفر (علیه السلام): «استرضع لولدک بلبن الحسان و ایاک و القباح فان اللبن قد یعدی»
- ۲ - محمدبن یحیی، عن احمدبن محمد، عن ابی فضال، عن ابی بکر، عن عبیدالله الحللی قال: قلت لابی عبدالله (علیه - السلام): امراه ولدت من الزنا اتخذها ظئرا؟ قال: «لا تسترضعها و لا ابنتها».
- ۳ - امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ظاهر نبودن عیبی که منافی عدالت باشد و پاکدامنی و خودداری در مقام خوردن و شهوت و دست نیازیدن به مال غیر و نگهداری زبان از ناشایست و نابایست، اینها همه شناخته می شود به ترک کبائری که خداوند وعده آتش بدان داده است؛ مثل شراب خواری و عمل منافی عفت و رباخواری و آزار پدر و مادر و فرار از جبهه جنگ بدون اذن امام و سایر کارهایی مانند اینها و آنچه بر همه اینها دلیل است این است که از زشتی‌ها چنان خود را محفوظ نگهدارد که بر مسلمانان حرام باشد پاره‌ای از لغزشها و اشتباهات را در غیبتش بازگویند و یا از باطنش تفتیش کنند و بر آنها واجب باشد که در همه جا از او دفاع کنند؛ یعنی اگر کسی نسبت ناروایی به او داد از حقتش دفاع کنند و عدالتش را بر دیگران گوشزد نمایند و او را متعهد به حضور اول وقت در جماعت نمازهای پنجگانه ببینند و جز در مواقع عذر، او را از نماز غایب نبینند و چون مداومت و حضور وی به نمازهای پنجگانه در جماعت دیده شد، وقتی از حال او از همگان و هم محلی‌هایش پرسیده شود، خواهند گفت ما جز خیر و خوبی و صلاح از وی سراغ نداریم، همه وقت مواظب نماز و مراقب اوقات آن است و در مسجد حضور دارد، این چیزها موجب می شود که شهادت و عدالتش میان مسلمانان جایز و ثابت باشد...» (حرعاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۷: ۳۹۱).

منابع

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه ق). من لایحضره الفقیه. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد کاتب بغدادی (۱۴۱۶ ه. ق). **مجموعه فتاوی ابن جنید**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه. ق). **لسان العرب**. ج سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ ه. ق). **معجم مقاییس اللغة**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- احسائی، ابن ابی جمهور محمد بن علی (۱۴۱۰ ه. ق). **الأقطاب الفقهیة علی مذهب الإمامیة**. قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی قدس سره.
- اراکي، محمد علی (۱۴۱۳ ه. ق). **المکاسب المحرمة (للأراکي)**. قم: مؤسسه در راه حق.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ه. ق). **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- آملی، محمد تقی (۱۳۸۰ ه. ق). **مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی**. ج ۱۲. تهران: مؤلف.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۴). **کتاب المکاسب**. ج ۳. قم: سوم. قم: دهاقانی.
- انصاری شیرازی، قدرت اله (۱۴۲۹ ه. ق). **موسوعه احکام الاطفال و ادلتها**. ج ۱. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۷ ه. ق). **دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری**. ج دوم. ج ۲. قم: بی نا.
- بحر العلوم، محمد بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه. ق). **بلغة الفقیه**. ج ۴. چ چهارم. تهران: منشورات مکتبه الصادق.
- بحرانی، حسین بن محمد (بی تا). **الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (للفیض)**. ج ۱۰. قسم ۲. قم: مجمع البحوث العلمیة.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ه. ق). **الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بصری بحرانی، زین الدین محمد امین (۱۴۱۳ ه. ق)، **کلمة التقوی**، ج ۳. قم: سید جواد وداعی.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۱۷ ه. ق). **حاشیة مجمع الفائدة و البرهان**. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۳۱۰ ه. ق). **رساله عملیه متاجر وحید بهبهانی** (با تعلیقات میرزای شیرازی). تهران: حاج شیخ رضا تاجر تهرانی.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۲۴ ه. ق). **مصاییح الظلام**. ج ۱. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۲۶ ه. ق). **جامع المسائل**. ج دوم. قم: دفتر معظم له.
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا). **أسس القضاء و الشهادة**. قم: دفتر مؤلف.

- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ هـ ق). تنقیح مبانی العروة - كتاب الاجتهاد و التقليد. قم: دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ هـ ق). منهاج الصالحین (للتبریزی). ج ۲. قم: مجمع الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه).
- ترحینی عاملی، سید محمد حسین (۱۴۲۷ هـ ق). الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة. ج ۴. چ چهارم. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- جزائری، سید محمد جعفر مروج (۱۴۱۶ هـ ق). هدی الطالب فی شرح المكاسب. ج ۶. قم: مؤسسه دار الكتاب.
- جزیری، عبد الرحمن و دیگران (۱۴۱۹ هـ ق). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام. بیروت: دار الثقلین.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۱۷ هـ ق). معجم فقه الجواهر. بیروت: الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲ هـ ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۶ هـ ق). الفتاوی المیسرة. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۲۲ هـ ق). المسائل المنتخبة. چ نهم. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ هـ ق). منهاج الصالحین. چ پنجم. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
- حسینی شیرازی، سید صادق (۱۴۲۵ هـ ق). التعليقات علی شرائع الإسلام. چ ششم. قم: انتشارات استقلال.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۷ هـ ق). الفقه، الرأی العام و الإعلام. بیروت: مؤسسه الوعی الإسلامی - دار العلوم.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۱۳ هـ ق). الفقه، القواعد الفقهیة. بیروت: مؤسسه امام رضا علیه السلام.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ هـ ق). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثة). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج (۱۴۱۶ هـ ق). كنز الفوائد فی حل مشكلات القواعد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۷ هـ ق). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی حائری، سید کاظم (۱۴۱۵ هـ ق). القضاء فی الفقه الإسلامی. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ هـ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- حلی، ابن ادريس محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ هـ ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى. ج دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۰ هـ ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ هـ ق). الرسالة السعدية. بيروت: دارالصفوة.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۱ هـ ق). تبصرة المتعلمين في أحكام الدين. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ هـ ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ هـ ق). تذكرة الفقهاء (ط - الحديث). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۱ هـ ق). تلخيص المرام في معرفة الأحكام. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ هـ ق). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ هـ ق). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. ج دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ هـ ق). منتهى المطلب في تحقيق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۹ هـ ق). نهاية الإحكام في معرفة الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی، شمس الدين محمد بن شجاع القطن (۱۴۲۴ هـ ق). معالم الدين في فقه آل ياسين دورة فقهية كاملة على وفق مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- حلی، محمد بن حسن بن يوسف (۱۳۸۷ هـ ق). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعيليان.
- حلی، مقداد بن عبد اله سيوري (۱۴۰۴ هـ ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشي نجفی (ره).
- حلی، مقداد بن عبد اله سيوري (بی تا). كنز العرفان في فقه القرآن. ترجمه عبد الرحيم عقيقي بخشايشي. قم: پاساژ قدس.
- حلی، نجم الدين جعفر بن حسن (۱۴۱۸ هـ ق). المختصر النافع في فقه الإمامية. ج ششم. قم: مؤسسه المطبوعات الدينية.

- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷ ه ق). **المعتبر فی شرح المختصر**. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۲ ه ق). **نکت النهایة - النهایة و نکتها**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ه ق). **الجامع للشرائع**. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ ه ق). **قرب الإسناد**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ ه ق). **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**. ج دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. لبنان: دار العلم - الدار الشامیه.
- رشتی گیلانی نجفی، حبیب الله (۱۳۱۱ ه ق). **کتاب الإجارة**. بی جا، بی نا.
- روحانی قمی، سید محمد حسینی (۱۴۱۷ ه ق). **المسائل المنتخبة**. کویت: شركة مكتبة الألفین.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (بی تا). **جامع الأحكام الشرعية**. قم: مؤسسه المنار.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ ه ق). **مهذب الأحكام**. ج چهارم. قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
- سبزواری، علی مؤمن قمی (۱۴۲۱ ه ق). **جامع الخلاف و الوفاق**. قم: زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام.
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ ه ق). **کفاية الأحكام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- سبزواری، مولی هادی بن مهدی (۱۴۲۵ ه ق) **اسرار الحكم فی المقتح و المختتم**. قم: انتشارات مطبوعات دینی.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۷ ه ق). **دلیل تحریر الوسيلة - المضاربة**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۷۰. سیفی مازندرانی، علی اکبر (بی تا). **دلیل تحریر الوسيلة - الوصية**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- شبییری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۸ ه ق). **المسائل الشرعية**. قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
- شبییری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ ه ق). **کتاب نکاح**. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شریف کاشانی، ملا حبیب اله (۱۴۰۴ ه ق). **تسهيل المسالك إلى المدارک فی رؤس القواعد الفقهية**. قم: المطبعة العلمیه.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۴۱۹ ه ق). **تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین**. ترجمه و شرح (فقه فارسی). ج ۲. ج پنجم. تهران: منشورات اسلامیة.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ه ق). **المحیط فی اللغة**. بیروت: عالم الكتاب.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ ه ق). **هدایة العباد**. قم: دار القرآن الکریم.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ ه ق). **ما وراء الفقه**. بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۲۰ ه ق). **غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام**. بیروت: دار الهادی.

- صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۱۲ ه. ق). **رياض المسائل**. بيروت: دار الهادی.
- صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۱۸ ه. ق). **رياض المسائل**. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبایى حائرى، سيد محمد مجاهد (بى تا). **كتاب المناهل**. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبایى حكيم، سيد محسن (۱۴۱۰ ه. ق). **منهاج الصالحين (المحشى للحكيم)**. بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- طباطبایى حكيم، سيد محسن (۱۴۱۶ ه. ق). **مستمك العروة الوثقى**. ج ۱۲. قم: مؤسسه دار التفسير.
- طباطبایى حكيم، سيد محمد سعيد (۱۴۱۶ ه. ق). **حواريات فقهية**. بيروت: مؤسسه المنار.
- طباطبایى حكيم، سيد محمد سعيد (۱۴۱۵ ه. ق). **منهاج الصالحين**. بيروت: دار الصفوة.
- طباطبایى قمى، سيد تقى (۱۴۲۳ ه. ق). **الغاية القصوى فى التعليق على العروة الوثقى - كتاب المضاربة**. قم: انتشارات محلاتي.
- طباطبایى قمى، سيد تقى (۱۴۱۳ ه. ق). **عمدة الطالب فى التعليق على المكاسب**. قم: كتابفروشى محلاتي.
- طباطبایى قمى، سيد تقى (۱۴۲۶ ه. ق). **مبانى منهاج الصالحين**. قم: منشورات قلم الشرق.
- طباطبایى قمى، سيد حسن (۱۴۱۵ ه. ق). **كتاب الحج**. ج ۲. قم: مطبعة باقرى.
- طباطبایى يزدى، سيد محمد كاظم (۱۴۰۹ ه. ق). **العروة الوثقى فيما تعم به البلوى**. ج دوم. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایى يزدى، سيد محمد كاظم (۱۴۱۴ ه. ق). **تكملة العروة الوثقى**. ج ۱. قم: كتابفروشى داوری.
- طباطبایى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ ه. ق). **الميزان فى تفسير القرآن**. ج پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طرابلسى، عبد العزيز ابن براج؛ طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱ ه. ق). **جواهر الفقه - الجواهر فى الفقه - المقائد الجعفرية**. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طرابلسى، عبد العزيز ابن براج (۱۴۰۶ ه. ق). **المهذب**. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طريحي، فخر الدين (۱۴۱۶ ه. ق). **مجمع البحرين**. ج سوم. ج ۶. تهران: كتابفروشى مرتضوى.
- طريحي، فخرالدين (۱۳۸۷ ه. ق). **المبسوط فى فقه الإمامية**. ج سوم. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طريحي، فخر الدين (۱۳۹۰ ه. ق). **الاستبصار فيما اختلف من الاخبار**. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- طريحي، فخر الدين (۱۴۰۷ ه. ق). **تهذيب الاحكام**. ج چهارم. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- عاملی كركى، على بن حسين (۱۴۱۴ ه. ق). **جامع المقاصد فى شرح القواعد**. ج دوم. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- عاملی، بهاء الدين، محمد بن حسين؛ ساوجى، نظام بن حسين (۱۴۲۹ ه. ق). **جامع عباسى و تكميل آن (محشى، ط - جديد)**. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر). قم: كتابفروشی داوری.
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۳۸۲). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. ج چهارم. قم: دارالتفسیر.
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ه ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۶ ه ق). مسالك الافهام في الشرح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- عاملی، محمد بن مکی (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
- عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ه ق). اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. بیروت: دار التراث.
- عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ه ق). ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- غروی نائینی، محمد حسین (۱۴۱۳ ه ق). المكاسب و البيع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ه ق). کتاب العين. ج دوم. قم: نشر هجرت.
- فقعانی، علی بن علی بن محمد بن طی (۱۴۱۸ ه ق). الدر المنضود في معرفة صيغ النيات و الإيقاعات و العقود - رسالة في العقود و الإيقاعات. قم: مکتبه إمام العصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) العلمية.
- فیاض کابلی، محمد اسحاق (بی تا). تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی. قم: انتشارات محلاتی
- فیاض کابلی، محمد اسحاق (۱۴۲۶ ه ق). رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات مجلسی.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی تا). مفاتیح الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ ه ق). قاموس قرآن. ج ششم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- قمی، عباس (۱۴۲۳ ه ق). الغایة القصوى في ترجمة العروة الوثقی. قم: منشورات صیح پیروزی.
- قمی، محمد مؤمن (۱۴۲۲ ه ق). مبانی تحریر الوسیله - القضاء و الشهادات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ه ق). الکافی. ج چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گیلانی، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ ه ق). جامع الشتات في أجوبة السؤالات (للميرزا القمي). تهران: مؤسسه کیهان.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح (۱۴۲۹ ه ق). شرح فروع الکافی. قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
- مامقانی، محمد حسن بن الملا عبدالله (۱۳۱۶ ه ق). غایة الآمال في شرح کتاب المكاسب. ج ۲. قم: مجمع الذخائر الإسلامية.

- مجلسی اصفهانی، محمد تقی (۱۴۱۴ ه. ق). **لوامع صاحبقرانی**. ج ۳. دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مجلسی اصفهانی، محمد تقی (۱۴۰۰ ه. ق). **یک دوره فقه کامل فارسی**. تهران: مؤسسه و انتشارات فراهانی.
- محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶ ه. ق). **قواعد فقه**. ج دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدرسی یزدی، سید عباس (۱۴۱۰ ه. ق). **نموذج فی الفقه الجعفری**. قم: کتابفروشی داوری.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶ ه. ق). **منهاج المؤمنین**. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ه. ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ ه. ق). **فقه المعاملات**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶). **اصول فقه**. ج ششم. ترجمه محسن غرویان. ج ۱. قم: دارالفکر.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ه. ق). **فقه الإمام الصادق علیه السلام**. ج دوم. قم: مؤسسه انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ه. ق). **المقتعه**. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره).
- مقری فیومی، احمد بن محمد (بی تا). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**. قم: منشورات دار الرضی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۱ ه. ق). **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۵ ه. ق). **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المضاربة، الشریعة، المزارة، المساقاة، الدین و القرض، الرهن، الحجر، الضمان، الحوالة و الکفالة، الوکالة، الإقرار، الهبة**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۸ ه. ق). **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الوقف، الوصیة، الأیمان و النذور، الکفارات، الصید**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۱ ه. ق). **فقه المضاربة**. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید رحمه الله.
- موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (۱۴۱۹ ه. ق). **القواعد الفقهیة، قواعد فقهی**. قم: نشر الهادی.
- موسوی خمینی، سید روح اله (۱۴۱۵ ه. ق). **المکاسب المحرمة (للإمام الخمينی)**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- موسوی خمینی، سید روح اله (بی تا). **تحریر الوسیلة**. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- موسوی خمینی، سید روح اله (۱۴۰۴ ه. ق). **زبدة الأحکام**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (بی تا). **التنقیح فی شرح العروة الوثقی، الاجتهاد و التقليد**. قم: تحت اشراف جناب آقای لطفی.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۶ ه. ق). **صراط النجاة (المحشی)**. قم: مکتب نشر المنتخب.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۱ ه. ق). **فقه الشیعة - الاجتهاد و التقليد**. ج سوم. قم: چاپخانه نو ظهور.

- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۰۹ ه ق). مبانی العروة الوثقی. قم: منشورات مدرسه دار العلم - لطفی.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۰ ه ق). منهاج الصالحین (للخوئی). ج بیست و هشتم. قم: نشر مدینه العلم.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸ ه ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ ه ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۹ ه ق). مجمع المسائل. ج دوم. قم: دار القرآن الکریم.
- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ ه ق). هدایة العباد. قم: دار القرآن الکریم.
- میرزای قمی گیلانی، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ ه ق). جامع الشتات فی أجوبة السؤالات. تهران: مؤسسه کیهان.
- نجفی، احمد بن علی بن محمد رضا کاشف الغطاء (۱۴۲۳ ه ق). سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، بشیر حسین، مصطفی (۱۴۲۷ ه ق). الدین القيم. نجف اشرف: دفتر حضرت آیه الله نجفی.
- نجفی، حسن بن جعفر بن خضر کاشف الغطاء (۱۴۲۲ ه ق). أنوار الفقاهة - کتاب الحوالة. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، حسن بن جعفر بن خضر کاشف الغطاء (۱۴۲۲ ه ق). أنوار الفقاهة - کتاب المضاربه. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، حسن بن جعفر بن خضر کاشف الغطاء (بی تا). أنوار الفقاهة - کتاب مکاسب. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، عباس بن حسن بن جعفر (بی تا). الفوائد الجعفریة. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، عباس بن حسن بن جعفر (۱۴۲۴ ه ق). منهل الغمام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۲. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، علی بن محمدرضا بن هادی (۱۳۸۱ ه ق). النور الساطع فی الفقه النافع. ج ۲. نجف اشرف: مطبعة الآداب.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج دوم. تهران: المكتبة الاسلامیه،
- نجفی، محمد حسن (۱۴۲۹ ه ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی، محمد حسین بن علی بن محمدرضا (۱۳۵۹ ه ق). تحریر المجله. نجف اشرف: المكتبة المرتضویة.
- نجفی، محمد حسین بن علی بن محمدرضا (۱۳۶۶ ه ق). وجیزة الأحکام. ج دوم. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.

- نجفی، محمد حسین بن علی بن محمدرضا (۱۴۱۵ ه. ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر (۱۴۲۵ ه. ق). أنیس التجار (محشّی). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر (۱۴۲۶ ه. ق). تحفه رضویه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- واسطی، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ ه. ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶ ه. ق). الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة. قم: انتشارات سماء قلم.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ ه. ق). منهاج الصالحین (للوحید). ج پنجم. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- هادی همدانی، رضا بن محمد (۱۴۲۰ ه. ق). حاشیة کتاب المکاسب. قم: جناب مؤلف.
- یوسفی فاضل، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ ه. ق). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. ج ۲. ج سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

